

فدرالیسم دمکراتیک در سوریه؛ زمینه و دورنما

گفت‌وگوی محسن کاکارش با کامران متین



نمایندگان سه کانتون عفرین، کوبانی و جزیره در کنفرانسی در شهر رمیلان سوریه به ایجاد یک سیستم فدرالیسم دمکراتیک رای دادند. برقراری نظام فدرالی در روژآوا بلافاصله با واکنش‌های گسترده‌ای روبرو شد. دولت مرکزی سوریه، ترکیه و ایران مخالفت خود را با ایجاد چنین طرحی اعلام کرده‌اند. آمریکا و روسیه نیز به برقراری چنین سیستمی در شمال سوریه واکنش نشان داده‌اند. مارک تونر، سخنگوی معاون وزارت امور خارجه آمریکا گفت: «ما هم‌چنان به وحدت و یک‌پارچگی ارضی سوریه متعهد هستیم.» پیش‌تر نیز سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه گفته بود فدرالیسم یک گزینه محتمل در آینده سوریه است، به شرطی که خواسته مردم سوریه باشد.

دولت سوریه با انتشار بیانیه‌ای تشکیل نظام فدرال در شمال این کشور را "خلاف قانون اساسی و بی ارزش" دانسته است اما مقامات کرد سوریه اعلام کرده‌اند، فدرالیسم در شمال این کشور تمامیت ارضی سوریه را به خطر نخواهند انداخت بلکه این سیستم تنها راه وحدت سوریه است.

این حکومت فدرال که «فدراسیون شمال سوریه» نام‌گذاری شده، به گفته مقامات روژآوا نه تنها کردها بلکه تمامی گروه‌ها و اقلیت‌های شمال سوریه را در بر می‌گیرد. این منطقه درگیر جنگی چند ساله و خونین بوده، حامیان فدرالیسم با چه اهرم اقتصادی این طرح را اعلام کرده‌اند؟ مخالفت دولت‌های منطقه بویژه ترکیه که نزاع آن با کردها بالا گرفته، سیستم فدرالی را در عمل با مشکل روبرو نخواهد کرد؟

«رادپو زمانه» در گفت‌وگو با کامران متین، دانشیار روابط بین‌الملل در دانشگاه ساسکس بریتانیا به زمینه‌ها و انگیزه‌های برقراری سیستم فدرالیسم دمکراتیک در روژآوا پرداخته است.

کردهای سوریه و دیگر اقلیت‌ها سیستم فدرالیسم دمکراتیک را در این کشور اعلام کردند. آیا بسترهای لازم برای چنین گامی فراهم است؟

کامران متین: شاید بهتر می‌بود پروژه‌ای با این محتوا و ابعاد، ملزومات بیشتری برای پیاده کردن می‌داشت. اما شاید به یک لحاظ، اعلام فعلی این پروژه به فراهم کردن لوازم و تمهیدات اجرای بهینه‌تر این طرح در دراز مدت کمک کند؛ چرا که اخیراً برای چندمین بار به کردهای سوریه اجازه شرکت در مذاکرات ژنو داده نشد که پروژه‌های مشخصی در آنجا مورد بحث اپوزیسیون و دولت سوریه و دیگر دولت‌های درگیر هست.

کردها و نمایندگان دیگر اقلیت‌های ترک، عرب و آسوری می‌خواهند به مردم سوریه و جهان بگویند که این راه حل هم وجود دارد؛ راه‌حلی که کم‌ترین دردسر را برای کردها و دیگر مردمان سوریه برای گذار از وضعیت فلاکت‌بار و خونین فعلی دارد.

در عین حال می‌شود از مواضع دولت‌های ذی‌نفع هم استنباط کرد که برخی از آنان نوعی پشتیبانی ضمنی از طرح فدرالی روژآوا دارند. به‌طور مشخص روسیه این را اعلام کرده است. در مورد آمریکا هم مخالفت آشکار و علنی و قاطعی با خود ایده دیده نشده است. برخی گزارش‌ها می‌گویند که بین پنتاگون و سیا بر سر این موضوع مناقشه هست. در نهایت بدون حمایت ضمنی برخی از دولت‌های درگیر در سوریه شاید این طرح اعلام نمی‌شد؛ هر چند دولت سوریه، ترکیه و ایران با این طرح مخالفت کرده‌اند.

پس می‌توان گفت در عمل این پروژه با مشکلاتی هم روبرو خواهد شد؟

در واقعیت امر روژآوا و مردمانش حداقل سه یا چهار سالی است که بطور غیر رسمی دارای سیستم خودمدیریتی هستند. زندگی مردمی که در آن مناطق هستند و خدماتی که یک جامعه نیاز دارد در شرایط سخت جنگی فراهم شده است. اعلام اخیر در واقع رسمی کردن یک وضعیت دوفاکتو است که از چند سال پیش وجود داشته است. رسمی کردن این مسئله مخالفت‌های آن جناح‌ها و قدرت‌هایی که از آغاز مخالف وضعیت موجود و قدرت‌گیری کردها بودند را شدت می‌بخشد و آنان را در تقابل مستقیم‌تری قرار می‌دهد. تا آنجایی که به ترکیه برمی‌گردد فکر نمی‌کنم بخواهند یا بتوانند کار بیش‌تری علیه کردستان سوریه انجام دهد. حتی قبل از اعلام نظام فدرالی آنان مخالفت کرده‌اند؛ به گروه‌های مخالف کردها، جهادی‌ها و داعش کمک کردند و اخیراً خودشان رسماً وارد عمل شدند و مناطق کردنشین را در عفرین و حلب مورد حمله قرار دادند.

به این خاطر فکر می‌کنم تا آنجایی که به ترکیه برمی‌گردد تغییر محسوسی در موضع آن‌ها در قبال روژآوا ایجاد نشود. آن‌چه که اهمیت دارد باید ببینیم موضع آمریکا و تا حدودی اتحادیه اروپا و روسیه چگونه خواهد بود. باید دید آیا روسیه بر سر موافقت‌اش می‌ماند؟ اگر موافق است، آیا به حمایت اولیه‌اش ادامه خواهد داد به ویژه اگر در آینده مشکلات جدی پیش آید؟ این‌ها فاکتورهایی هستند از الان نمی‌توانیم به شکل قاطع در باره آن اظهار نظر کنیم.

کردستان سوریه، بیش از سه میلیون نفر جمعیت و ۲۴ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد؛ وسعتی در حدود کشور لبنان. این منطقه حدود ۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک با ترکیه دارد.

از زمان اجرای سیستم «کنفدرالیسم دموکراتیک»، کردستان سوریه به سه بخش «جزیره» در شرق با حدود دو میلیون نفر جمعیت، «کوبانی» در مرکز با حدود ۵۰۰ هزار نفر جمعیت و «عفرین» در غرب با حدود ۷۰۰ هزار نفر جمعیت، تقسیم شده است.

این بخش‌ها «کانتون» نام گرفته‌اند و تا حدود زیادی به شکل خودمختار اداره می‌شوند.

کردستان سوریه ظرفیت تولید روزانه حدود ۲۵۰ هزار بشکه نفت در روز دارد؛ میزانی که تا پیش از آغاز جنگ داخلی سوریه تولید می‌شد. بر اساس برآوردها، شهر رمیلان در کردستان سوریه، چیزی حدود کرکوک در عراق ذخایر نفتی دارد.

از ۲۴ هزار کیلومتر مربع مساحت کردستان سوریه، ۱۸ هزار کیلومتر مربع آن زیر کشت است. به این قرار، دو سوم کردستان سوریه منطقه پرآبی است با ۱۰ سد بزرگ و گنجایش ۳۰۰ میلیون متر مکعب آب.

این منطقه تا پیش از جنگ داخلی، سالانه ۱/۴ میلیون تن گندم و ۳۷۳ هزار تن پنبه تولید می‌کرد. ۱۵ میلیون اصله درخت زیتون هم در منطقه وجود داشت. به این ترتیب ۴۵ درصد محصولات کشاورزی سوریه تا پیش از جنگ داخلی سوریه، در کردستان تولید می‌شد.

فکر می‌کنید نیروهای داخل سوریه چه برخوردی با این پروژه خواهند داشت؟

تا آنجایی که به اپوزیسیون حاضر در مذاکرات ژنو برمی‌گردد، باید گفت نماینده بخش مهمی از اپوزیسیون مسلح سوریه هست. (فکر می‌کنم نیروهای اپوزیسیون دیگری هم در بین مردم عادی وجود دارد که شاید الزاماً با نیروهای مسلحی که وجود دارند همراه نباشند ولی وضعیت کنونی آنان اجازه نمی‌دهند به صورت متشکل نظر خودشان را ابراز کنند).

جریانی که در ژنو به نام اپوزیسیون سوریه صحبت می‌کند از قبل مخالفت خود را با این مسئله یا هر نوع اعمال حق تعیین سرنوشت کرده‌ها اعلام کرده است. در گذشته آن‌ها با حضور نماینده حزب اتحاد دمکراتیک یا نمایندگانی از روزآوا در مذاکرات ژنو مخالفت کرده‌اند هر چند احتمالاً این مخالفت بخشاً تحت فشار ترکیه صورت گرفته باشد. مثلاً در اولین دور مذاکرات در سال ۲۰۱۲ با درخواست حزب اتحاد دمکراتیک بر سر تغییر اسم رسمی سوریه و این‌که در دوران پس از جنگ باید این نام را از «جمهوری عربی سوریه» تغییر داد تا تکثر فرهنگی زبانی ملی را منعکس کند، مخالفت شد. آنان می‌خواهند همان قواره کنونی دولت که در کنترل بشار اسد است تغییر پیدا کند و در واقع تسلط بر ارگان‌های اجرایی و حاکمیت به آنان برسد. به این خاطر تصور نمی‌کنم اپوزیسیون تغییر جدی در موضع خودش بدهد. ولی در شرایط فعلی آنان هم در وضعیتی نیستند که بتوانند از اجرای سیستم فدرالی در روزآوا جلوگیری کنند یا به موجودیت این سیستم بلافاصله ضربه مهلکی بزنند. ولی نهایتاً موضع و رفتار آن‌ها در قبال روزآوای فدرال بستگی دارد به این‌که سیر رابطه آنان با دولت سوریه چگونه پیش رود و اصلاً مذاکرات صلح به کجا برسد.

در نتیجه می‌شود گفت اعلام فدرالیسم واکنشی بود به مذاکرات ژنو؟

فکر می‌کنم بخشی به این موضوع بر می‌گردد. دور قبلی که آنان را راه ندادند به دلیل مخالفت ترکیه و عربستان، نیروهای مدافع خلق و نیروهای مدافع زنان به تشکیل «نیروهای مدافع سوریه» اقدام کردند. این نیروها بودند که در ماه‌های اخیر عملیات گسترده علیه داعش انجام دادند. در دوره آخر هم که آنان را دعوت نکرده بودند، به تاسیس سیستم فدرالیسم دمکراتیک اقدام کردند. یعنی آن‌ها می‌خواهند بگویند که ما یک بازیگر اصلی در این صحنه هستیم و نماینده بخش قابل توجهی از مردم سوریه‌ایم و بالاخره اگر شما ما را در روندهای رسمی نگذارید، ما راه خودمان را خواهیم رفت.

شاید این عمل به آمریکا و اتحادیه اروپا کمک کند که ترکیه را راضی کنند موضعش را تغییر دهد. اساس این استدلال این است که اگر آنان در مذاکرات حضور داشته باشند شاید بتوانند در ماهیت این سیستم و آینده‌اش نوعی تاثیرگذاری داشته باشند. این تنها راه مخالفت عملی و نظامی را باز خواهد گذاشت. پس اعلام فدرالیسم شاید به تلاش آمریکا برای نرم‌تر کردن موضع ترکیه و عربستان در رابطه با حضور «پی‌دی» در ژنو کمک کند. هر چند شخصاً فکر نمی‌کنم تا زمانی که حزب عدالت و توسعه در ترکیه در قدرت است این نرمش رخ دهد.

حکومت اقلیم چند روز پیش اعلام کرد که از فدرالیسم در روزآوا حمایت می‌کند. با توجه به نزدیکی مسعود بارزانی به ترکیه این حمایت فکر می‌کنید چقدر جدی است؟ چون در مسئله کوبانی هم اقلیم کمک چندانی نکرد.

حکومت اقلیم کردستان و حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری آقای بارزانی بطور فزاینده متوجه این هستند که حزب عدالت و توسعه در خود ترکیه و در رابطه‌های خارجی‌اش دچار نوعی تزلزل و ناروشنی است. در واقع خیلی عجیب نیست که آن‌ها بخواهند به نوعی رابطه خوبی را با روزآوا و کردستان سوریه و حزب دمکراتیک حداقل بر سر قواره اداره کردستان سوریه برقرار کنند و ارتباطشان را حفظ کنند. در نتیجه حمایت آن‌ها از فدرالیسم که خودشان بخشی از حکومت فدرال در عراق هستند، الزاماً نمی‌تواند مبنای تیره شدن روابطشان با ترکیه شود.

مقامات اقلیم می‌توانند به شکلی موضع خودشان را نسبت به کردستان سوریه توجیه کنند و در عین حال ممکن است روابط پشت پرده‌ای هم در جریان باشد که ما مطلع نباشیم. امکان دارد کردستان عراق از حمایت ضمنی آمریکا دقیق‌تر آگاه باشند و بدانند این مسئله در هر صورت جا خواهد افتاد. پس چه بهتر که از همان آغاز موضع دوستانه‌ای بگیرند. بدین ترتیب دست حزب دمکرات کردستان سوریه را که در روزآوا فعال است باز بگذارند و موقعیت آنان را هم در کردستان سوریه تقویت کنند.

خودگردانی کانتون‌ها با چه اهرم اقتصادی خواهد بود؟

پرسش خیلی خوبی است. شاید ارتباط کردستان عراق با روزآوا در کوتاه مدت حتی بسیار مهم باشد. چون می‌تواند بخش زیادی از نیازهای آنان از این منطقه وارد شود. مردم در کردستان سوریه علیرغم جنگ همه جانبه‌ای که با داعش و دیگر گروه‌های جهادی داشته‌اند توانسته‌اند زندگی نسبتاً عادی را در خیلی مناطق تحت کنترل نیروهای مدافع خلق و نیروهای مدافع زنان ادامه دهند. در ضمن در ماه‌های گذشته شنیدیم دو فرودگاه در کردستان سوریه احداث شده است. یکی از آن‌ها که از قبل وجود داشته و یکی دیگر هم که تازه تاسیس کرده‌اند. اگر این‌ها به مرحله عملیاتی برسند با توجه به جمعیت کم کردستان سوریه، برای دو تا سه میلیون نفر، دو فرودگاه می‌تواند بخشی از ارتباطات آنان را با جهان فراهم کند و امکان وارد کردن کالاهای ضروری را تا حدی فراهم سازد.

ولی از همه مهم‌تر این است که نظریه اقتصادی کنفدرالیسم دمکراتیک مبتنی بر تولید برای رفع نیاز و نوعی خودکفایی بر اساس تعاونی‌هاست. به این دلیل اولویتی به تمرکز بر تولید انبوه برای مصرف در بازار از جمله تولید کالاهایی که در کردستان سوریه استفاده نخواهد داشت داده نشده و نمی‌شود. این امر باعث می‌شود که در میان مدت آنان بتوانند اقلام اساسی که برای زندگی روزمره مردم لازم است تولید و تهیه کنند و اقلام دیگر هم احتمالاً از مرزهای ترکیه بطور قاچاق یا رسماً از کردستان عراق وارد کنند.

اما در دراز مدت وضعیت اقتصادی منطقه به این بستگی خواهد داشت که روزآوا تا چه میزان در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شود و ماهیت رابطه روزآوا با ترکیه و نیز با دولت مرکزی سوریه (البته اگر دولت مرکزی در شکل فعلی‌اش باقی بماند) چه خواهد بود.

از چند سال پیش تلاش‌هایی برای پایان جنگ سوریه و ثبات در این کشور در جریان است. آیا کنفدرالیسم دمکراتیک می‌تواند در این راستا برای کل سوریه هم جواب دهد؟

اساساً بنیان این ایده تاکید می‌کنند که طرح کردی یا مختص به کردها نیست. در واقع این پروژه‌ای برای سازمان‌دهی مجدد به نظم سیاسی در تمام سوریه است. ولی آنان در جاهایی که کنترل عملی دارند می‌توانند آن را به مورد اجرا بگذارند. اجرای آن در دیگر مناطق سوریه به خواست و اراده مردم سوریه در این مناطق بستگی دارد و این‌که آیا مایل هستند این مدل را در مناطق خودشان پیاده کنند یا نه. در هر حالت بازگشت به دولت متمرکز بسیار بعید است؛ یعنی بسیار بعید است که دولت فعلی یا آتی سوریه بتواند کنترل و اعمال حکومتش را دوباره به تمام مناطق سوریه، به ویژه کردستان تسری دهد. عراق پس از جنگ مثال خوبی از این عدم امکان است.

می‌توان گفت کردها صرفاً به حمایت آمریکا از خودشان در مبارزه با داعش متکی بوده‌اند؟ دیدیم آمریکا مخالفت کرده و می‌گوید یک پارچگی سوریه مهم‌تر است. مهم‌تر آن‌که می‌گوید اگر مردم سوریه مخالفت نکنند، او هم مخالفتی ندارد. یعنی توپ را به زمین دیگری انداخته؟

موضع آمریکا به شدت مخالفت ترکیه نبوده است. آمریکا می‌گوید که مخالف نقض تمامیت ارضی سوریه است. فدرالیسم دمکراتیک هم مبنایش این است که این نظم سیاسی-اداری غیرمتمرکز در چارچوب مرزهای فعلی سوریه پیاده خواهد شد. به این معنا هیچ تناقضی بین فدرالیسم دمکراتیک و نقض تمامیت ارضی سوریه وجود ندارد. در نتیجه موضع آمریکا به نظر من تلویحاً نوعی بی‌طرفی یا حمایت غیرفعال است. ولی طبیعتاً آن‌ها به دلیل رابطه‌شان با ترکیه نمی‌توانند آن را رسماً و با تاکید زیاد عنوان کنند. ولی نهایتاً می‌دانند که توازن قوا در روی زمین چگونه است. ضمن این‌که فرموله شدن فدرالیسم به شکلی است که بهانه نقض تمامیت ارضی به آن معنا که مورد نظر آمریکاست، موجود نیست که بخواهد به مخالفت عملی فعال و مستقیم علیه کردستان دست بزند.

برگرفته از تارنمای رادیو زمانه